



داستان‌های آکساندر پوشکین

ترجمه

ناهید کاشانی چی

www.ketab.ir

پوشکین، آلکساندر سرگی یوژ، ۱۷۹۹-۱۸۳۷ م. Puskin Aleksandr Sergeevich	سرشناسه:
داستان‌های آلکساندر پوشکین از روسی ناهید کاشی چی. تهران: توس، ۱۳۹۸. ۶۸۰ ص.	عنوان و نام پدیدآور: مشخصات نشر: مشخصات ظاهری:
978-964-315-743-2	شابک:
فیبا	وضعیت فهرست‌نویسی:
چاپ قبلی: جوانه توس، ۱۳۹۳.	یادداشت
چاپ سوم.	یادداشت
داستان‌های کوتاه روسی -- قرن ۱۹ م. Short stories, Russian – 19th century	موضوع: موضوع:
کاشی چی، ناهید، - ۱۳۲۶، مترجم	شناسه افزوده:
PG۳۳۲۴/۲ ۱۳۹۸	رده‌بندی کنگره:
۸۹۱/۷۳۳	رده‌بندی دیویی:
۵۵۴۵۲۴۳	شماره کتابشناسی ملی:

پوشکین می گوید:

دانش و هنر از هر سرزمینی که برخیزد و متعلق
به هر قومی که باشد، از آن همه جهانیان است.



انتشارات توس

داستان‌های آلساندر پوشکین

ترجمه از روسی: ناهید کاشی چی

چاپ سوم (چاپ اول انتشارات توس)، بهار ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپخانه: کاری نو

صحافی: نوری

قیمت: ۷۹۰۰۰

ISBN: 978-964-315-743-2

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۵-۷۴۳-۲

کلیه حقوق چاپ و انتشار این اثر به هر صورت محفوظ و مخصوص انتشارات توس است.

دفتر مرکزی: خیابان دانشگاه، بن‌بست پورجوادی، شماره ۵ - تلفن: ۶۶۴۹۱۴۴۵

مرکز فروش: خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، پلاک ۱۷۸ - تلفن: ۶۶۴۶۱۰۰۷

فهرست

- ۷..... کوتاه سخنی درباره پوشکین
- ۱۱..... پیشگفتار
- ۱۷..... براهام
- ۷۱..... داستان‌های مرحوم ایوان پتروویچ بلکین
- ۷۳..... یادداشت‌ها
- ۷۹..... شلیک
- ۱۰۱..... کولاک
- ۱۲۳..... تابوت‌ساز
- ۱۳۷..... ناظر چاپارخانه
- ۱۵۷..... دختر ارباب یا دختر خانم روستایی
- ۱۸۹..... تاریخ روستای گاریوخینو
- ۲۱۷..... رسلاولف
- ۲۳۷..... دوبرفسکی
- ۳۵۳..... بی بی پیک
- ۳۹۵..... کرجالی
- ۴۰۹..... شب‌های مصر
- ۴۳۱..... دختر کاپیتان
- ۶۰۹..... سفر به ارزروم

کوتاه سخنی درباره پوشکین

الکساندر سرگی یویچ پوشکین در ۲۶ ماه مه (۶ ژوئن) ۱۷۹۹ در مسکو به دنیا آمد. تولد پوشکین با عید پاک و هم‌چنین با روز تولد نوه تزار پاول هم‌زمان بود. به همین جهت تولد شاعر نابغه با شادی و سرور ملی مصادف گردید.

سرگی یویچ پدر پوشکین سرگردی بازنشسته و مادرش نادژدا اسیاونا از نژاد آبراهام هانیبال سراده بلژیکی بود. آبراهام در کودکی اسیر و به تزار پیوتر کبیر هدیه شده بود. او توانسته بود با شوش و لیاقتش به سرداری رسیده و جزو نزدیکان پیوتر محسوب شود.

خانواده پوشکین از نظر فرهنگ و تمدن در سطح بسیار بالای جامعه قرار داشتند. علم، هنر و ادبیات مورد توجه خاص آن‌ها بود. خانه‌ی آن‌ها همیشه پر از مهمان بود. شاعران، نقاشان و موسیقیدانان مرتباً به آنجا رفت و آمد داشتند.

پدر پوشکین کتابخانه‌ی بزرگ و نفیسی از نویسندگان فرانسه و روس داشت. این کتابخانه در زندگی آتی پوشکین نقش مهمی داشت. پوشکین هنوز کودکی بیش نبود که از طریق همین کتابخانه با سخنوران بزرگ ادب قرن هیجدهم آشنا شد. اغلب نویسندگان و شاعران برجسته آن زمان در خانه پوشکین‌ها دیده می‌شدند. الکساندر کوچک با اشتیاق به گفتگوی آن‌ها در باب شعر و ادبیات گوش می‌کرد. واسیلی لویچ عموی او ادیبی سرشناس بود. بدین ترتیب کودکی پوشکین در محیطی ادبی سپری شد و طبیعی است که این وضعیت در پرورش علایق و تمایلات وی موثر بود.

در آن زمان خانواده‌های اشرافی روس ترجیح می‌دادند به زبان فرانسه صحبت کنند. الکساندر زبان فرانسه را به خوبی زبان روسی می‌دانست. او حافظه‌ی خوبی داشت و بسیاری از مطالبی را که به فرانسه و روسی خوانده بود از حفظ بود.

پوشکین نه تنها با ادبیات جهان آشنا بود بلکه دایه‌اش آرینا رادیانوونا که قصه‌گو، ماهر و بود او را با داستان‌های ملی کشورش آشنا می‌کرد و ترانه‌های محل را به او می‌خواند. او قصه و ضرب‌المثل‌های زیادی بلد بود و توانسته بود توجه پوشکین را به آن‌ها جلب کرده و عشق به ادبیات فولکلوریک روس را در او به وجود بیاورد. او با ساختن الکساندر با اشعار فولکلور روس روحیه شاعر را از احساس نفرت و ترس دست به هم‌وطنانش که با زندگی درباریان و اشراف اختلاف فاحشی داشت، محافظت می‌کرد. پوشکین دایه‌اش را که تا آخر عمر دوست و فادارش محسوب می‌شد بسیار دوست می‌داشت و در چند اثر خویش به نام‌های «غروب زمستان»، «به دایه‌ام» و «چند اثر دیگر با عشق و محبت از دایه‌اش یاد می‌کند.

مادر بزرگ پوشکین، ماریا آلکسیوونا نیز در تربیت او نقش داشت. او بود که خواندن و نوشتن به زبان روسی را به الکساندر که پهلای آماتور،

پوشکین هنوز نوجوانی بیش نبود که نوشتن آثر ادبی را آغاز کرد. او در همان کودکی افسانه‌ی منظوم و شعر می‌ساخت و گاه نیر نما، سناه، سیه، کوچک می‌نوشت. او و الگا خواهرش تئاتری خانگی ترتیب داده بودند. در این تئاتر الکساندر نقش اجرا کننده و الگا نقش تماشاچی را داشت.

پوشکین نزدیک به دوازده سال داشت که والدینش تصمیم گرفتند او را تحت تعلیم و آموزش اروپایی قرار دهند و به این ترتیب موقعیت ممتازی برای او در اجتماع به دست آورند. آن‌ها مطلع شدند که در «تسارسکویه سلو» که اقامتگاه تابستانی تزاران روس بود، دبیرستانی برای جوانان افتتاح شده است. در این دبیرستان دانش‌آموزان از بهترین آموزش‌ها برخوردار می‌شدند و فارغ‌التحصیلان به کارهای مهم دولتی گماشته می‌شدند. در امتحان سال ۱۸۱۵ که در حضور گاوریل درژاوین بزرگ‌ترین شاعر آن عصر برگزار می‌شد، پوشکین با خواندن

شعر خود به نام «خاطرات تسارسکویه سلو» مورد توجه خاص او قرار گرفت. در زاوین از شنیدن شعر پوشکین به وجد آمد از جا برخاست و خواست تا او را در آغوش کشد ولی آلکساندر فرار کرده و تمام روز خود را پنهان ساخت. در زاوین درباره پوشکین گفت: «او همان کسی است که جای مرا خواهد گرفت.» بعدها پوشکین درباره این اولین پیروزی بزرگش چنین نوشت: «پیرمرد که دیگر چیزی از عمرش باقی نمانده بود مرا دعای خیر کرد.»

پوشکین از همان دوران دبیرستان به عضویت انجمن ادبی آرزوماس که بر پایه کیه‌اندیشی و ژانرهای منسوخ در ادبیات مبارزه می‌کرد، درآمد.

در ژوئن ۱۸۱۷ پوشکین پس از پایان تحصیلات دبیرستانی در وزارت امور خارجه به غول پارسا گزید. او علاقه‌ای به این مقام و پست نداشت. به زودی او به عضویت انجمن ادبی «چراغ سبز» درآمد. این انجمن با محافل و گروه‌های زیرزمینی انقلابی ارتباط نزدیک داشت. پوشکین را به خاطر عقاید سیاسی تا سال ۱۸۲۰ به جنوب تبعید کردند.

پوشکین در این سال‌ها تبعید که مدتی از آن در قفقاز سپری شد، تحت تأثیر ابهت و عظمت طبیعت فیراوا و صفای قرار گرفت و برای تحقیق درباره زندگی و معیشت کوه‌نشینان و قزاق‌ها، این منطقه وقت زیادی صرف کرد. او منظومه «اسیر قفقاز» را در همین زمان به رشته تحریر آورد. بعضی از آثار منظوم او در این سال‌ها عبارتند از: منظومه‌ی اسیر صفاز، آرازه باغچه‌سرا، گابریلاد، یوگنی آنگین، کولی‌ها و برادران سارق.

سال ۱۸۲۶ پوشکین به پایتخت احضار شد و به او اعلام کردند که بخشیده شده و می‌تواند هر کجا بخواهد زندگی کند. اما در حقیقت شاعر کسافی‌السابق تحت مراقبت شدید پلیس بود. او موظف بود، برای چاپ تألیفات و برای تمام سفرهایش از قبل مجوز کسب کند. وضع روحی او طی سال‌های پس از آزادی هم‌چنان پریشان بود. بهترین دوستانش در تبعید به سر می‌بردند. مناسبات او با حکومت و اجتماع اشرافی هر سال تیره و تیره‌تر می‌شد.

در فوریه سال ۱۸۳۱ او با دختری زیبا به نام ناتالیا نیکالایونا گانچاروا ازدواج

کرد. محافل اشرافی که هجویات و نیش زبان‌های پوشکین را نمی‌توانستند ندیده بگیرند با پراکنده ساختن شایعات دروغین درباره همسرش از او انتقام می‌گرفتند. تهمت‌زنان درباری همواره تلاش می‌کردند تا بین پوشکین و دانتس که پسرخوانده سفیر هلند و افسر گارد بود و گفته می‌شد دوستدار همسر پوشکین است، ونلی ترتیب دهند. پوشکین که شرف خود را مورد اهانت می‌دید دانتس را به رنل خواند. در ۲۷ ژوئیه سال ۱۸۳۷ این دونل برگزار شد. پوشکین زخم عمیق برداشت و پس از دو روز در تاریخ ۲۹ ژانویه (مطابق با ۱۰ فوریه تاریخ جدید) درگذشت. هنگامی که خیر مرگ پوشکین منتشر شد عده کثیری گرد خانه‌اش گرد آمدند. رستم از تنفر و انزجار علیه دانتس جامعه را فرا گرفت. مرگ فاجعه‌آمیز شایع مانعوب رس عزای ملی شد. به دستور حکومت تابوت پوشکین مخفیانه و تحت الحفظ مکهده میخائیلوفسکویه حمل و در صومعه سویتاگورسکی به خاک سپرده شد.

پوشکین در مبارزات و خلاقیت ملی‌گرای خویش در پیشروترین و مترقی‌ترین موقعیت زمان خود قرار داشت. او در طی ۲۵ سال کار ادبی‌اش برای رشد فرهنگ و ادبیات روس تلاش فراوان نمود. الکساندر پوشکین به عنوان نابغه‌ی کبیر ملی برای همیشه در قلب و خاطره ملت روس باقی خواهد ماند.

پیشگفتار

درباره پوشکین و سبک او

نوشته: دمیتری میرسکی^۱

پوشکین فرانسوی اولین داستان منشور روس است. او برای نخستین بار نثر ادبی را به صورت رمان نرئیس در روسیه بنیان نهاد. نام او در طی قرون متمادی همچنان زنده مانده است. با آرا او در تاریخ ادبیات رمان نویسی با تمام جذابیت، شیرینی و جنبه‌های طنزی که او در آن‌ها بی‌داده، با مقامی که در نظم دارد قابل قیاس نیست. فرق عمده بین نظم و نثر او در این است که او بیش از هر چیز شاعر بود. و اشعارش را به زبان مادری می‌سرود. میرسکی قضاوت در مورد اشعارش با خود او بود. اما نثر برایش زبانی بیگانه محسوب می‌شد زیرا که در آن روزگار اشراف‌زادگان جز به زبان فرانسه صحبت نمی‌کردند. بر این موفقی شده بود تا با کوشش و جهد بر رموز این زبان بیگانه راه پیدا کرده و بر آن مسلط شود. تنها گوشی حساس می‌خواست تا به لهجه پاراناسی او پی ببرد. با همه این‌ها در نثر او قید و بندهایی که از قوانین خاصی پیروی می‌کنند دیده می‌شوند که در شعر او

۱. دمیتری میرسکی (۱۹۳۶-۱۸۹۰) از برجسته‌ترین مورخان و منتقدان روس است. اثر او درباره پوشکین، بهترین تفسیری است که درباره پوشکین نوشته شده است. کتاب او با عنوان «تاریخ ادبیات روس از روزگاران قدیم تا سال ۱۹۲۵» یکی از معتبرترین کتاب‌های تاریخ ادبیات روسیه به شمار می‌آید.

وجود ندارند. پوشکین بیشتر اوقات به سرودن شعر می‌پرداخت. تنها در سال ۱۸۳۰ بود که تمام وقتش به داستان‌نویسی گذشت. او از همان ابتدا می‌دانست که چه سبکی را باید دنبال کند. در سال ۱۸۲۳ در دفتر یادداشتش نوشت: «سبک ولتر^۱ می‌تواند بهترین نمونه خردمندانه باشد... دقت و کوتاه‌نویسی اولین گام برای نوشتن یک نثر خوب به شمار می‌آید. لازمه یک نثر خوب، تفکر و باز هم تفکر است. ملانتر^۲ پر زرق و برق عاری از اندیشه به هیچ کاری نمی‌آیند. اما شعر چیز دیگری است...»

نثر پوشکین، حاصل ناثیرپذیری از ادبیات فرانسوی است. او را می‌توان از اولین پیشوایان محراب وادریست. نثر او آمیخته با ایجاز، روانی و سهولت، دور از هر گزافه‌گویی و آرنه‌ها^۳ چالگیر است که پیوسته به سوی عریانی کلام حرکت می‌کند. پوشکین سنت ششمه لتر بود. اما گرچه نثرش از نظر سادگی و ظرافت قابل قیاس با نثر ولتر است، ولی بی‌پروایی آشکار، آزادی بیان، تندزبانی و بی‌تکلفی نویسنده فرانسوی را ندارد. سوراکی باید گفت که فضای حاکم در ادبیات قرن هیجدهم کاملاً در آثار پوشکین، حتی زمانی که مانند دیگر نویسندگان هم‌عصرش تحت نفوذ والتراسکان و هوفمان قرار می‌گیرد، به‌خصوص در داستان‌هایش مشهود است.

اولین تجربه داستان‌نویسی او مربوط به رمان تاریخی آره‌ها^۴ پس خوانده سیاه پیوتر کبیر می‌شود که در سال ۱۸۲۸ شروع به نوشتن آن کرد. این داستان سرگذشت جد او هانیبال است که نیمه‌تمام مانده و در زمان زندگی او تنها دو بخش آن به چاپ رسید. پوشکین در دوران تبعیدش در بولدینو، موفق به نوشتن پنج داستان کوتاه شد که یک سال بعد بدون درج نام نویسنده، تحت عنوان

۱. ولتر نویسنده‌ای کم‌ظنیر و پرکار در نوشتن آثار کمدی، تراژدی، شعر، زندگینامه، تاریخ فلسفه، نقد ادبی، داستان، نامه‌نویسی و منظومه حماسی می‌باشد. قالبی را که او برای این سبک از ادبیات داستانی به کار برده، تا به امروز از آن پیروی می‌شود. او در اشعار و رمان‌های معروف به ویرولیش به بازگویی وقایع مهیج مربوط به تاریخ وطنش پرداخته است.

داستان‌های بلکین به چاپ رسید. اگر چنین فرض کنیم که این داستان‌ها بهترین آثار او نبودند، ولی در هر حال ویژگی‌های خاص او را در بر داشتند. باید گفت که او دیگر هیچ‌گاه در هیچ یک از آثارش این چنین قوانین، ساده‌نویسی، دوری جستن از زیاده‌گویی و حاشیه‌نویسی را رعایت نکرده است. داستان توسط ملاکی متواضع و شهرستانی، به صورت سوم شخص، یعنی توسط راوی شرح داده می‌شود. این داستان‌ها به شکلی ساده همراه با طنزی که در زندگی روزمره جا دارد، بیان شده است. ولی هنر ساده‌نویسی به معنای درست کلمه را، در بی بی پیک پرشکین می‌توان دید. معاصرین پوشکین با نثر او با دیدی بی‌تفاوت روبرو شدند. تنها پس از گذشت سالیان بسیار مجبور به اعتراف شدند که نثر او شاهکار است. شخصیت خیلی بلکین که به صورتی کمرنگ در مقدمه کتاب گنجانده شده، تنها پس از برداشتن او در داستان دهکده گاریوخینو کشف می‌شود. پرسنازهای این داستان‌ها از نظر سادگی، ساده‌لوحی و جاه‌طلبی توأم با شکسته نفسی ایوان پتروویچ بلکین، در آثار جالب پوشکین به شمار می‌آیند.

پوشکین از سال ۱۸۳۱ به نسبت بیشتر به نثر پرداخت تا به نظم. در این سال سه اثر او از جمله (دختر کاپیتان، و بی بی پیک) تکمیل و منتشر شد. هم‌چنین بخش‌های متعددی از داستان‌های ناتمامش در این سال نوشته شدند، که تمام آن‌ها نگهداری شده و پس از مرگش در مجموعه آثار او به چاپ رسیدند. در میان این نوشته‌های ناتمام چند طرح وجود دارد که ممکن است، پیش‌نویس متهماتی کلنوپاترا باشد. در یکی از این طرح‌ها نوشته بسیار جالبی از خصوصیات شخصی چارسکی یافت شده است. او شاعری است که از روی تکبر اشراف‌منشانه و یا در بیان ملاحظات اجتماعی نمی‌خواهد او را شاعر بدانند.

دوبرفسکی که تقریباً داستانی تمام شده است، سرگذشت راهزنی است که دزدی‌هایش بر پایه دادخواهی و عدالت انجام می‌گیرد. اگر این داستان تمام می‌شد، یکی از بهترین رمان‌های حادثه‌ای روسیه به شمار می‌آمد. این راهزن جوانمرد به گونه‌ای هوشیارانه و به صورتی ملودرام یادآور رابین‌هود قهرمان ایده‌آل ملت‌هاست. در این سرگذشت نیز مانند دهکده گاریوخینو، همچو زیادی

گنجانده شده است. شخصیت دو فرد عالیجاه درباری، ترویه کوروف و وریسکی، این خود کامگان بی‌شرم و خودپرست، زینت‌بخش ادبیات روس است. تنها رمانی که در سال ۱۸۳۶ به‌طور کامل نوشته و در حیات خود پوشکین به چاپ رسید، دختر کاپیتان بود. داستان در ارتباط با شورش پوگاچوف (قیام مردم فقیر در ناحیه شرق روسیه در سال ۱۷۷۳) است. این داستان شبیه به سبک والتر اسکات در به تصویر کشیدن و احیا کردن وقایع تاریخی قدیم است. ولی شباهتی به رمان‌های ویورلی ندارد و از نظر حجم، از یک پنجم رمان‌های والتر اسکات کمتر است. رمان دختر کاپیتان مله در طنزهای قابل ستایش است، مثل جایی که افسر پیر پادگان، با زیر پا بردن مثل و رد آن می‌پرسد که دونالد به چه درد می‌خورد. قهرمانان داستان مانند چهره‌های آرام کاپیتان میروف و همسرش، چه در هنگام صلح و چه در هنگامی که زرها شورش می‌کنند به طور ناگهانی وارد دژ می‌شوند و آن دو با از خود گذشتگی و تواضع تن به اعدام می‌دهند، یا ساولویچ خدمتکار صادق و در عین حال مستبد از چهره‌ها را از رمان محسوب می‌شوند.

اگر یوگنی آنگین را در نظر بگیریم، دختر کاپیتان تنها اثر پوشکین است که اثر شگرفی بر عصرهای آتی ادبیات بر جای گذاشته است. در آن جوهری وجود دارد که رئالیسم روسی را نشان می‌دهد. گرچه این داستان به سبکی کاملاً معمولی، همان‌طوری که یک داستان تاریخی را شرح می‌دهد نوشته شده، ولی با سادگی، طنز و عاری بودن از هرگونه پرگویی و طمطراق توانست با تاراس بولبای گوگول که دو سال بعد از آن سوی ساحل‌ها سر برآورد رقابت کرده و آن‌را مغلوب خود سازد. با آن‌که دختر کاپیتان داستانی تأثیرگذار بود ولی نمی‌توان آن را بهترین داستان پوشکین دانست. این افتخار نصیب بی‌بی پیک که در سال ۱۸۳۴ منتشر شد، گردیده است. شرح این داستان به‌طور خلاصه غیرممکن است. داستان‌های بلکین نیز از نظر شفافیت و کامل بودن داستان اثری کامل و جالب توجه‌اند. جنبه تخیلی آن‌ها بالاتر از تمام آثار پوشکین است و از لحاظ شور و هیجان رمانتیک، بسیار به سروده «ضیافت به روزگار طاعون» و به منظومه «مبادا، خدا مرا مجنون کند» شبیه‌اند. جنبه تخیلی در بی‌بی پیک کاملاً عاری از عیب و

نقص و در قالب کلاسیک خود جای دارد. این داستان با عربیانه و فشرده‌گی‌اش چنان است که حتی پروسیر مریمه نویسنده کوتاه‌ترین داستان‌های فرانسوی نیز جرأت این که این داستان را دقیقاً همان‌طور که هست ترجمه کند نداشته و در ترجمه‌اش همه گونه شرح و بسط و توصیف را اضافه کرده است. با این اندیشه که شاید با اضافه کردن حجم آن را زیاد کند.

پوشکین در نقدنویسی نیز منحصر بفرد بود. مقالات جدی و دقیق انتقادی او و تقریرهایش بسیار سنجیده، دقیق، صحیح، معتبر و با عباراتی روشن بیان می‌شدند. آثار او در نقد آثار دیگران که توسط او در روزنامه لیتراتورنایا گازتا چاپ می‌شد، فوق‌العاده و حتماً بهترین‌ها بودند. طنز تند و بجای او چنان گزنده بود که دشمنان نمی‌توانستند از آن روی برتابند. جملات تند او به بولگارین روزنامه‌نگار مزدور که در خدمت پلن مخفی بود بسیار بی‌رحمانه و قابل ستایش است. این مقالات سبب تعطیل شدن روزنامه ایچی و از کوره در بردن رقیب نابکار و در عین حال بانفوذ او شد. در سال ۱۸۱۲ نوکیر تمام وقت خود را به بررسی و مطالعه تاریخ گذراند. نوشتن رمان پیوتر پیر کرچه نیمه‌مام ماند ولی منجر به نوشتن رمان تاریخی شورش ۱۷۷۳ بوگاجوف گردید. این شاهکار ادبیات داستانی با داستان نبرد گالی نوشته یول تزار قابل مقایسه است. ناصر این رمان، در دسترس نبودن مدارک لازم تاریخی بود. تصویر شخصیت بوگاجوف بر پایه اطلاعاتی بود که پوشکین در اسناد مکتوب و از خاطرات شاهدان کسب می‌کرد. گرچه برایش مقدور نبود بسیاری از اطلاعات را که برای او بسیار ضروری بودند کسب کند. او آن چنان در کلاسیسم قرن هیجدهم غرق بود که نمی‌توانست تاریخ را از جنبه حرکت توده‌ها و مبارزات طبقاتی بررسی کند. اما دید او بسیار دقیق بود. او توانسته است دلایل اجتماعی این قیام عظیم را به خوبی نشان دهد. سال ۱۸۳۶ مسافرت به ارزروم را نوشت که گزارشی از جبهه جنگ قفقاز در سال ۱۸۲۶ است. پوشکین در این اثر توانست به آخرین مرزهای فشرده‌نویسی دست یابد.